

نگرشی بر آموزش در ژاپن و تجزیه و تحلیل آن

دارا بهروش

مقدمه

امروزه ژاپن به عنوان یک کشور پیشرفته شناخته شده که در تمامی زمینه های صنعت و تکنیک، خود را نه تنها به سطح دیگر کشورهای پیشرفته جهان رسانیده، بلکه در بسیاری موارد، گوی سبقت را نیز از آنان ربوده است. در این کشور چگونه بر امر تحصیل و آموزش افراد توجه گردیده و چگونه آموزش توانسته است این چنین چتر خویش را بر فراز جمعیت ۱۲۰ میلیونی بگستراند؟ این سئوالی است که در این بررسی سعی گردیده بدان پاسخ گوئیم و ضمن تجزیه و تحلیل آموزش در این کشور نقش سطح دانش جامعه در پیشرفتهای اقتصادی نشان داده شود.

به جرئت می توان گفت که رشد آموزش با رشد اقتصادی عمده‌تاً همگام می باشد. در ژاپن نیز از دیرباز برای مسئله آموزش ارج و اهمیت بسیاری قائل بوده اند. امروزه همه اقتصاددانان متفق القولند که ژاپن مدرن و پیشرفته امروزی جز با توجه خاص به امر تعلیم و آموزش همه مردم کشور و جز با ارج نهادن به عامل آموزش در کل جامعه، هرگز قادر به گذشتن از راهی که برای رسیدن به دستاوردهای امروزی لازم می باشد نبوده است. در حقیقت توسعه اقتصادی ژاپن مرهون پشتوانه عظیم نیروی انسانی آموزش دیده است که از سطح دانش بالا برخوردار هستند.

برای بررسی روند آموزش در ژاپن، دوره های تاریخی ژاپن به ۴ قسمت به شرح زیر تقسیم می گردد: الف) قبل از دوران میجی^۱ (قبل از ۱۸۶۸)، ب) دوران میجی (۱۹۱۲ - ۱۸۶۸)، ج) بین دو جنگ اول و دوم جهانی و د) بعد از جنگ جهانی دوم. سپس آموزش نیروی کار و سرمایه گذاری در آموزش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. بررسی روند آموزش در ژاپن

الف) قبل از دوران میجی: در واقع آموزش به معنی خواندن و نوشتن در حدود قرن ۶ میلادی با ورود و معرفی خط و زبان چینی به ژاپن آغاز گردید و امروزه نیز خط و زبان ژاپنی همان خط و زبان چینی است. اولین معلمان ژاپن، کاهنان بودایی بوده‌اند که در معابد به تعلیم و آموزش دادن شاگردان می‌پرداختند و معابد به عنوان مرکزی برای آموزش و تحصیل محسوب می‌شد.

در ژاپن اولین مدرسه دولتی در سال ۷۰۱ میلادی تأسیس گردید که این مدرسه فقط برای آموزش کادر دولتی بوده است. بعدها در دوره کاماکورا^۲ (۱۳۳۳-۱۱۸۵) آموزش گسترش بیشتری یافت و مخصوصاً در میان افراد نظامی تحصیل مرسوم گردید. در دوره‌های بعدی تاریخ ژاپن، تا دوره توکوگاوا^۳ (۱۸۶۸-۱۶۰۰) به مسئله آموزش در سطح تحصیل در معابد توجه می‌شد. این روش تحصیل که در آن اغلب تدریس توسط یک معلم انجام می‌گرفت و به صورت خصوصی اداره می‌گردید، به تراکویا^۴ معروف است. در این تراکویاها - که اغلب در مناطق شهری وجود داشتند - به شاگردان نوشتن، خواندن و حساب تعلیم داده می‌شد.

بر اساس برآوردی که پروفیسور «دوره»^۵ انجام داده است و نیز با توجه به برآورد دیگر محققان می‌توان گفت که در اواسط قرن ۱۹ میلادی در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد پسران و ۱۰ تا ۱۵ درصد دختران از امکانات تحصیل برخوردار بوده‌اند.^۶ این درصدها در مقام مقایسه با دیگر کشورها بالتسبه بالا بوده و قابل توجه می‌باشند.

در دوره توکوگاوا، به امر تحصیل و آموزش توجه بیشتری گردید. در سال ۱۶۹۱ پنجمین حکمران مرکزی^۷ مدرسه‌ای برای آموزش زبان چینی در شهر ادو^۸ (توکویو امروزی) تأسیس نمود. همزمان با این امر، در دیگر شهرها نیز حکمرانان محلی^۹ مدارس برای تحصیل فرزندان خود و نیز فرزندان خویشاوندان و اقوام و همچنین فرزندان مردان جنگی^{۱۰} خویش تأسیس کردند. در حقیقت اینها اولین مدارس عمومی در ژاپن محسوب می‌گردند.

ب) دوران میجی (۱۹۱۲-۱۸۶۸): با آغاز دوران میجی، یک سری تغییرات بنیادی در زمینه‌های مختلف، از جمله در امر آموزش و تحصیل، پدیدار گشت. دولت یک سیستم جدید آموزشی را جهت همگامی با سیاست تازه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش به اجرا درآورد. در این مرحله سرنوشت ساز برای مدرنیزه کردن و ایجاد یک کشور پیشرفته و صنعتی، احتیاج به افراد تحصیل کرده ضروری و لازم بود؛ لذا در این راه قدمهای بی شماری برداشته است.

سیستم جدید آموزشی در سال ۱۸۷۲ در ژاپن آغاز گردید. در حقیقت پس از وضع قانون سیستم آموزش در همان سال بود که مدارس ابتدایی تأسیس یافتند. وزارت آموزش ژاپن رسماً در سال ۱۸۹۱ تأسیس گردید و به دنبال آن مدارس جدید بسیاری ساخته شدند و تربیت معلمین و کادر آموزشی مورد نیاز آغاز گردید و بنای سیستم آموزش نوین برای کشوری مدرن و صنعتی پی ریزی شد. موفقیت‌های دوران میجی در کلیه زمینه‌های اقتصادی و مسئله آموزش و تحصیل بسیار پراهمیت و قابل تأمل می‌باشند.

در سال ۱۸۹۰ قانون تحصیل اجباری دوره ۴ ساله ابتدایی تصویب و اعلام گردید. برای آموزش در مقاطع تحصیلی بالاتر نیز توجه کافی مبذول شده بود و تا قبل از شروع قرن بیستم دانشگاه‌های متعددی در ژاپن تأسیس یافتند. همزمان با این اقدامات، به ارسال دانشجو به خارج از کشور و استخدام استادان خارجی نیز توجه گردید.

توسعه سریع صنایع در نقاط مختلف ژاپن در اواخر قرن ۱۹ میلادی سبب مهاجرت عده بسیاری از مردم به مراکز تجمع صنایع گردید. رشد صنایع و افزایش جمعیت به حرکت آموزش و تعلیم شتاب سریعتری داد. مدارس ابتدایی در اوایل قرن جاری رفته رفته خود را بدان درجه از توانایی رسانیدند تا دربرگیرنده تقریباً تمامی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم گردند. در همین ایام تعلیمات اجباری از ۴ سال به ۶ سال افزایش یافت (۱۹۰۸) و دولت حمایت و کمک‌های مالی بیشتری برای تعلیمات اجباری جدید در نظر گرفت. در سال ۱۹۰۸ ژاپن به آن درجه از آموزش دست یافت که تقریباً ۹۹ درصد پسران و ۹۷ درصد دختران لازم‌التعلیم به مدارس راه یافتند. نمودار شماره ۱، روند نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم‌التعلیم در ژاپن را در سالهای ۱۸۷۸ تا ۱۹۲۳ نشان می‌دهد. در این نمودار نکته بسیار مهم، روند سریع برای دختران می‌باشد که چگونه در عرض ۳۰ سال از ۲۱/۲۳ درصد در سال ۱۸۷۸ به ۸۶/۹۶ درصد در سال ۱۹۰۸ رسید؛ بخصوص آنکه در سال ۱۸۷۸ تفاوت نسبت جمعیت تحت-التعلیم به لازم‌التعلیم پسران و دختران بسیار چشمگیر بوده است. در اوایل قرن جاری در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان امکان تحصیل برای همگان فراهم نبود، این کشور توانست تمام کودکان را زیر پوشش آموزش قرار دهد.

ج) سالهای بین دو جنگ اول و دوم جهانی: پس از جنگ جهانی اول سهم بخش کشاورزی در محصول ناخالص ملی ژاپن که در اوایل دوره میجی ۵۰ درصد بود به حدود ۲۵ درصد سقوط نمود. در حقیقت صنایع سبک مخصوصاً صنایع نساجی و صنایع سنگین از قبیل ماشین‌آلات، صنایع فلزی و صنایع شیمیایی با رشد سریع خود موجبات این تغییر بودند. با رشد صنایع، تقاضا برای نیروی کار آموزش دیده و با سطح تحصیلی بالاتر افزایش یافت.

از سوی دیگر به امر تحصیلات عالی دانشگاهی نیز توجه بیشتری معطوف گردید. در سال ۱۹۲۰ ژاپن از نظر سطح فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها هم‌ردیف دیگر کشورهای پیشرفته اروپای غربی واقع شد و پس از این تاریخ حتی گوی سبقت را از آن کشورها ربوده و در سطح بالاتری نسبت به آنان قرار گرفت. بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها ۲/۵ برابر افزایش یافتند. افزایش فارغ التحصیلان رشته‌های ادبیات و تعلیم و تربیت و پس از آن رشته‌های حقوق، اقتصاد و بازرگانی، خیلی سریعتر از دیگر رشته‌ها بوده است. البته تعداد قابل ملاحظه ۴۴۵۵ نفر فارغ التحصیل پزشکی، دندانپزشک و داروساز بسیار پراهمیت می‌باشد.

نتایج به دست آمده برای ژاپن در این دوران برای مقاطع تحصیلی دبستانی و دبیرستانی نیز قابل تأمل می‌باشد. همچنان که در نمودار شماره ۱ آمده است، در سال ۱۹۲۳ ژاپن به رکورد ۹۹/۲۳ درصد نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم التعلیم دست یافت (پسران ۹۹/۳۲ درصد و دختران ۹۹/۱۵ درصد). همچنین در سال ۱۹۲۴ میزان دانش‌آموزانی که پس از تکمیل تحصیلات ۶ ساله اجباری به تحصیل ادامه می‌دادند به ۵۸/۱ درصد کل دانش‌آموزان رسید و چندی بعد این رقم در اواخر دهه ۱۹۲۰ به حدود ۸۰ درصد بالغ گردید.

در این سالها با توجه به دستیابی به هدفهای زیر پوشش قرار دادن کلیه جمعیت لازم-التعلیم کشور و اجرای موفقیت آمیز دوره ۶ ساله آموزش اجباری برای همه مردم، دولت بیشتر سعی خود را در راه تعمیم آموزش در دبیرستانها و نیز بالا بردن سطح استانداردهای آموزشی قرار داد.

د) بعد از جنگ جهانی دوم: پس از خاتمه جنگ جهانی دوم که به شکست ژاپن و اشغال این کشور توسط نیروهای آمریکا انجامید، در سیستم آموزشی ژاپن نیز تغییرات عمده‌ای پدید آمد. از جمله این تغییرات، رفرم آموزشی سال ۱۹۴۷ می‌باشد که در حقیقت توسط «میسون آموزشی آمریکا برای ژاپن» پیشنهاد شده بود. ضمناً سیستم جدید آموزش به سیک آمریکایی ۶-۳-۳، یعنی دوره ۶ ساله دبستان، دوره ۳ ساله سیکل اول دبیرستان و بالاخره دوره ۳ ساله سیکل دوم دبیرستان جایگزین سیستم قدیم گردید. همچنین در این سال تحصیلات اجباری به ۹ سال افزایش یافت.

طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۴ در تعداد دانش‌آموزان دبستان و سیکل اول دبیرستان تغییر قابل ملاحظه‌ای پدید نیامد؛ در صورتی که طی همین سالها دوره‌های سیکل دوم دبیرستان و تحصیلات عالی دانشگاهی افزایش سریعی داشتند. طی سالهای ۱۹۵۰ تا

۱۹۸۴ تعداد دانش‌آموزان سیکل دوم دبیرستان از حدود ۲ میلیون نفر به بیش از ۴/۸ میلیون نفر و تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها از ۲۵۵ هزار نفر به ۱/۸ میلیون نفر رسیده است.

همچنان که اشاره گردید، تحصیلات ۶ ساله دبستان و ۳ ساله سیکل اول دبیرستان اجباری می‌باشد. ولی درصد دانش‌آموزانی که پس از طی دوره اجباری ۹ ساله مایل به ادامه تحصیل می‌باشند، بسیار بالاست. در اوایل دهه ۱۹۵۰، درصد دانش‌آموزان مزبور به ۵۰ درصد رسید. این درصد در سال ۱۹۶۱ به ۶۰ درصد و در سال ۱۹۶۵ به ۷۰ درصد بالغ گردید. در سال ۱۹۸۰:

۱. ۶۰ درصد از کودکان قبل از ورود به دبستان دوره کودکستان را (حداقل یک سال) طی کردند.

۲. ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که دوره ۹ ساله تحصیل اجباری را گذرانده‌اند برای ادامه تحصیل به دوره دوم دبیرستان رفتند.

۳. ۳۳ درصد کل دانش‌آموزان به دانشگاه‌ها راه یافتند.

مورد قابل توجه دیگر، روند منحنی کودکانی است که از مزایای کودکستان استفاده کرده‌اند که این بسیار مشابه روند ادامه دهندگان تحصیل در سیکل دوم دبیرستان است. امروزه در ژاپن برای آموزش در مرحله کودکستان اهمیت بسیاری قائل هستند و مشاهده می‌گردد که پس از جنگ جهانی دوم در اوایل دهه ۱۹۵۰ فقط ۱۰ درصد کودکان از مزایای کودکستان بهره‌مند بوده‌اند و این با رشد سریعی در سال ۱۹۸۰ به ۶۰ درصد رسیده است. دولت ژاپن در نظر دارد که این رقم را در سال ۱۹۹۲ به ۱۰۰ درصد برساند.

می‌توان عنوان نمود که بعد از جنگ جهانی دوم تغییرات عمده‌ای در سطح تحصیلات عالی پدید آمده است. در ژاپن تنها در سالهای بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ فارغ التحصیلان رشته‌های علوم و مهندسی بالغ بر ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌باشند. همان طور که قبلاً اشاره گردید در سال ۱۹۸۴ در ژاپن در حدود ۱/۸ میلیون نفر دانشجو مشغول تحصیل بوده‌اند و امروزه می‌توان گسترش و عمومی یافتن تحصیلات دانشگاهی را مشاهده نمود.

در واقع قدمهای ثابت و استواری که ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، به دنبال دستاوردهای قبلی، در زمینه آموزش از مرحله کودکستان تا تحصیلات عالی دانشگاهی برداشته، امکان پدیدار شدن یک کشور صنعتی و پیشرفته را در این گوشه از آسیا فراهم آورده است.

۲. آموزش نیروی کار

نقش کارگران تحصیل کرده و متخصص در توسعه صنایع امری واضح و بدیهی

است. در اوایل دهه ۱۸۸۰ «شین هاماو»^{۱۱} که یکی از بنیان گذاران دانشگاه صنعتی توکیو (امروزه این دانشگاه «انسیتو تکنولوژی توکیو» نامیده می شود) بود گفته است: «در کشور ما این صنایع و کارخانه ها نیستند که اول توسعه یافته اند، بلکه اینها دنباله رو و متعاقب تأسیس آموزشگاه های صنعتی بوده اند. آموزشگاه های صنعتی اول تأسیس یافتند تا فارغ التحصیلان را به جامعه عرضه دارند و وظیفه آنان به راه انداختن و برپایی و توسعه صنایع و کارخانه ها بود.»^{۱۲}

در ژاپن آمارها گویای این واقعیت مهم هستند و بر آن صحه می گذارند. در سال ۱۸۹۷، نتایج یک آمارگیری که در استان اسا کا از کارگران کارخانه ها انجام گرفته، حاکی از بیسواد بودن ۳۲/۸ درصد کارگران بوده است. در میان باسوادان، ۱۲/۳ درصد دوره ابتدایی را طی کرده بودند. اما مشاهده می شود که در سال ۱۹۱۹، در کل ژاپن، درصد کارگرانی که به مدرسه نرفته اند به رقم ۸/۸ درصد تنزل یافته و درصد کارگران فارغ التحصیل مدارس ابتدایی به ۴۸/۹ درصد کل کارگران رسیده و درصد کارگران با مدارک تحصیلی بالا تر به ۱۹/۸ درصد بالغ گردیده است. در کل جمعیت ۲۰ ساله ژاپن نیز در سال ۱۹۰۱، افرادی که به مدرسه نرفته و یا دبستان را نیمه تمام رها کرده اند، بالغ بر ۵۱/۳ درصد بوده است. این درصد نیز در سال ۱۹۲۰ به ۲۱/۲ تنزل یافت؛ علاوه بر اینکه فارغ التحصیلان دبستان به ۴۳/۶ درصد و فارغ التحصیلان دبیرستان به ۳۵/۲ درصد بالغ گردیده اند. در حقیقت، رسیدن جامعه ژاپن به این درجه از تحصیلات در سال ۱۹۲۰، از ثمرات و نتایج امکانات تحصیل برای همه افراد جامعه و نیز اجباری نمودن دوره ۶ ساله ابتدایی در اوایل قرن جاری بوده است.

در سال ۱۹۸۰، قریب ۳۹ درصد نیروی کار تازه ژاپن از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بوده اند؛ این رقم در مقایسه با سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰، در حدود ۵ برابر گردیده است.

بدیهی است که تنها سالهای تحصیل نمی تواند معیار و شاخص موفقیت های آموزش و نتایج حاصله تلقی شود؛ بلکه مسئله کیفیت تحصیلی نیز بسیار مهم است. در ژاپن، علاوه بر سالهای تحصیل هر فرد، به مسئله کیفیت نیز توجه شده و در محاسبات و تجزیه و تحلیل های رشد، این امر فراموش نگردیده است. طی برآوردی در دوره بیست ساله ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، کیفیت آموزشی نیز برای مردان رقم ۱۱/۴ درصد و برای زنان ۱۰/۷ درصد رشد را نشان می دهد.

۳. سرمایه گذاری در آموزش

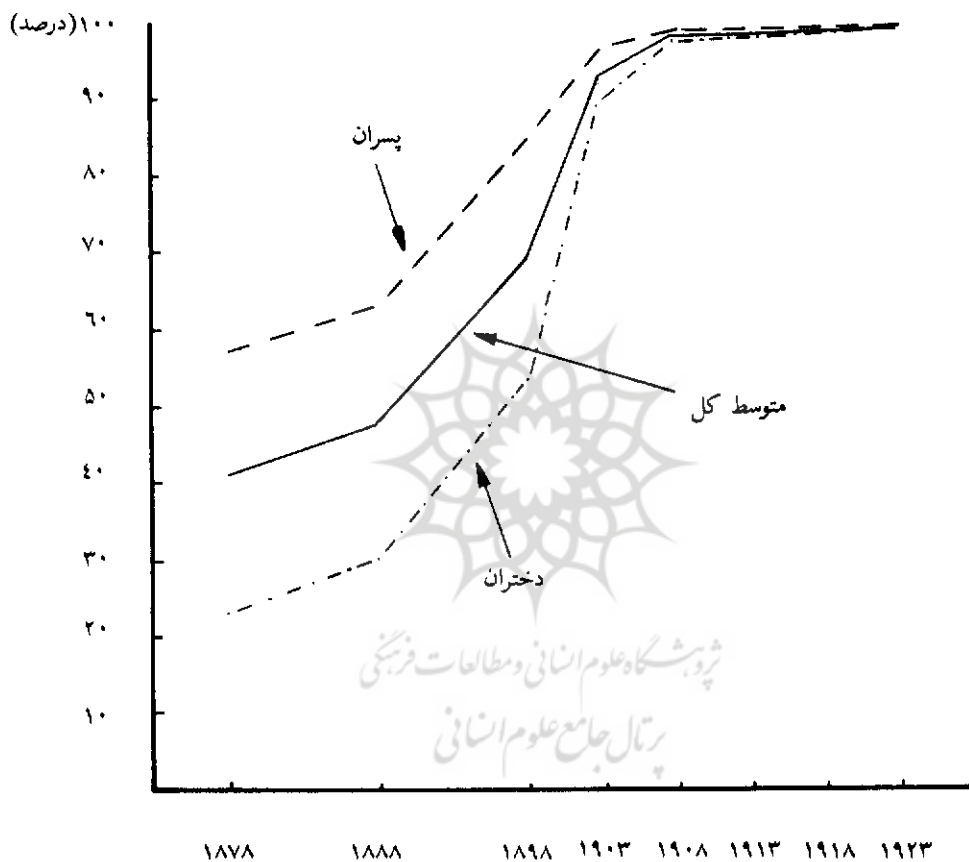
ژاپن به مسئله سرمایه انسانی برای ساختن یک کشور صنعتی با تکنیکی پیشرفته از راه سرمایه گذاری فراوان در زمینه آموزش توجه کافی داشته است. برپایی جامعه مدرن امروزی ژاپن، با توجه و ارج نهادن به مسئله آموزش و تخصیص منابع مالی کافی بدین امر، ممکن گردیده است. توجه به سرمایه گذاری در آموزش، از شروع دوره میجی بیشتر گردید و این توجه تا به امروز ادامه داشته است.

نظر دولت ژاپن در امر آموزش در سال ۱۹۶۲ این چنین بوده است: «رشد سریع ژاپن در زمینه های اقتصادی و اجتماعی از دوره میجی تا کنون، مخصوصاً رشد سریع اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم که در دنیا همچون ستاره ای می درخشید، با بهره گیری و استفاده از یک عامل مهم ممکن گردیده و ژاپن را قادر به دستیابی به این مدارج ترقی کرده است و آن گسترش و توسعه آموزش می باشد.»^{۱۳}

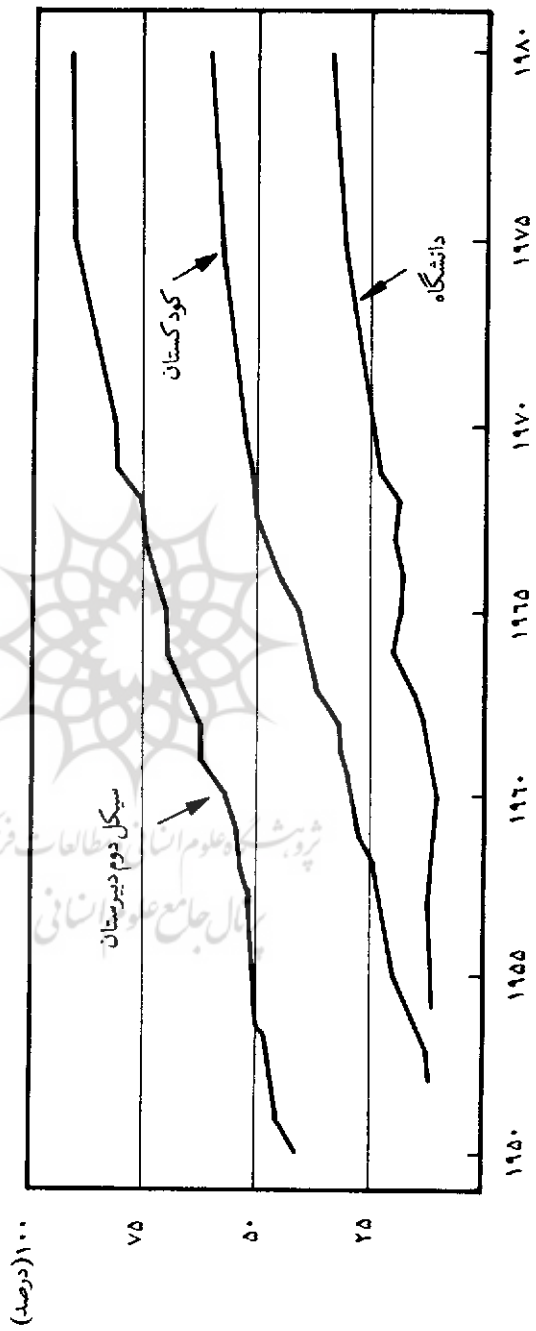
درآمد ملی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، رشد سریعی داشته است و همگام با این رشد، هزینه های عمومی برای آموزش نیز همه ساله افزایش یافته است. جدول شماره ۱ درآمد ملی، هزینه های عمومی و هزینه های عمومی برای آموزش در ژاپن را در طول سالهای ۱۹۳۵ تا ۱۹۸۰ نشان می دهد. درصد هزینه های عمومی برای آموزش به رقم ۷/۲ درصد در سال ۱۹۸۰ بالغ گردیده است (درصد هزینه های بخش عمومی و خصوصی برای آموزش جمعاً ۸/۶ درصد درآمد ملی بوده است)؛ این بالاترین سهم از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۸۰ می باشد. البته سهم هزینه های عمومی برای آموزش به نسبت درآمد ملی، پس از جنگ جهانی همواره یک حالت افزایشی نداشته است؛ هر چند که هزینه های عمومی برای آموزش همه ساله افزایش یافته باشد. در سال ۱۹۸۰ در حدود یک پنجم از کل هزینه های عمومی صرف هزینه های آموزشی گردیده است.

بروشنی مشخص گردیده است که هزینه ها و یا به عبارت صحیحتر سرمایه گذاریهایی که ژاپن در بخش آموزش انجام داده، در واقع در راه رشد اقتصادی کشور بوده و ضرورت و احتیاج آن کاملاً قابل لمس است. بدون این سرمایه گذاریها، ژاپن هرگز به حقیقت امروز دست نمی یافت و به طور یقین توسعه های احتمالی آینده ژاپن نیز با در نظر داشتن این امکانات عالی امروزی در زمینه آموزش است که به نتیجه خواهد رسید.

نمودار شماره ۱: نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم التعلیم درزاین (۱۸۷۸-۱۹۲۳)



نمودار شماره ۷: درصد جمعیت برخوردار از آموزشهای کودکان، سیکل دوم دبیرستان و دانشگاهی در ژاپن



جدول شماره ۱: درآمد ملی، هزینه های عمومی و هزینه های عمومی برای آموزش در ژاپن

$\frac{C}{B}$	$\frac{C}{A}$	$\frac{B}{A}$	هزینه های عمومی (C)	هزینه های عمومی (B)	درآمد ملی (A)	سال
درصد	درصد	درصد	میلیون ین	میلیون ین	میلیارد ین	
۱۲/۷	۳/۴	۲۶/۷	۵۱۵	۴۰۵۶	۱۵/۲	۱۹۳۵
۵/۲	۲/۱	۴۰/۴	۶۷۷	۱۳۰۰۱	۳۲/۲	۱۹۴۰
۴/۸	۱/۹	۴۰/۶	۷۰۳۳	۱۴۶۶۸۵	۳۶۰/۹	۱۹۴۶
۱۷/۵	۴/۷	۲۷/۰	۱۵۹۸۱۸	۹۱۴۶۴۸	۳۳۸۱/۵	۱۹۵۰
۲۱/۶	۵/۱	۲۳/۶	۳۷۲۰۰۶	۱۷۲۴۲۱۷	۷۲۹۸/۵	۱۹۵۵
۲۱/۱	۴/۶	۲۱/۹	۶۱۲۴۹۲	۲۹۰۹۶۳۹	۱۳۲۶۹/۱	۱۹۶۰
۲۲/۲	۵/۲	۲۳/۴	۱۳۸۵۰۱۱	۶۲۳۵۹۱۷	۲۶۶۰۶/۶	۱۹۶۵
۲۰/۴	۴/۷	۲۳/۳	۲۸۸۴۳۶۷	۱۴۱۶۹۷۸۵	۶۰۸۷۵/۴	۱۹۷۰
۲۲/۳	۶/۶	۲۹/۵	۸۱۱۸۹۱۴	۳۶۳۹۷۲۴۵	۱۲۳۱۸۴/۳	۱۹۷۵
۱۹/۷	۷/۲	۳۶/۵	۱۴۰۰۵۷۲۳	۷۰۹۳۹۶۵۳	۱۹۳۷۳۵/۰	۱۹۸۰

1. Meiji.
2. Kamakura.
3. Tokugoya.
4. Teraoka.
5. Dore.
6. G.C. Allen, *Japanese Economic Policy*, (The Macmillan Press, 1980).
7. Shogun.
8. Edo.

۹. تا قبل از شروع دوره میجی، ژاپن از نظر تقسیمات کشوری دارای ۳۰۰ منطقه یا بخش بوده است که هر یک از آنها دارای یک حکمران محلی بودند و این حکمرانان را Daimyo می خواندند.

10. Samurai.
11. Shin Hamao.
12. Makoto Aso and Iku Amano, *Education and Japan's Modernization*, (1972), P. 80.
13. *Education White Paper of Japan*, (1962).

منابع:

1. J. C. Allen, *Japan's Economic Policy*, (The Macmillan Press, 1980).
2. *Educational Statistics, Japan*, Research and Statistics Division, Minister's Secretariat, Ministry of Education, Science and Culture, Various issues.
3. Ministry of Education, Science and Culture, *Educational Standards in Japan*, (March 1976).
4. *Education in Japan*, (Research and Statistics Division, Minister's Secretariat, Ministry of Education, Science and Culture, government of Japan, 1982).
5. *Statistical Abstract of Education, Science and Culture*, (Research and Statistics Division, Minister's Secretariat, Ministry of Education, Science and Culture, Japan, 1983).
6. Fritz Machlup, *Education and Economic Growth*, (University of Nebraska, Lincoln, 1970).
7. Makoto Aso and Ikuo Amono, *Education and Japan's Modernization*, (1972).
8. *Japan Statistical Yearbook*, (Statistics Bureau, Management and Coordination Agency, 1985).
9. *Japan Statistical Yearbook*, Statistics Bureau, Prime Minister's Office, various issues.
10. Hugh Patrick and Henry Rosovsky, *Asia's New Giant* (Washington, D.C: The Brookings Institution, 1976).
11. *Meiji Taisho Kokusei Soran*, (Toyo Keizai Shinposha, 1927).

و «رئوس آمارهای میجی ونای شو» به زبان ژاپنی.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی